



تهران

شهربانو

۲۶ مهر ۱۴۰۰
۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۳ شماره ۶۰۶۳۵۰۶

(۵)



در نمایشگاه، غرفه‌ای برپا می‌کند. «در آن نمایشگاه از دل و جان مایه گذاشتم. به تک‌تک مشتری‌ها توضیح می‌دادم که این عروسک‌ها را چه کسانی و در کجا درست کرده‌اند. به همین دلیل نیز هیچ‌کس از غرفه‌مان دست‌خالی برنمی‌گشت. حتی افرادی که بچه نداشتند از من عروسک می‌خریدند.»

اشتغال در کنار خانه‌داری

اولویت همیشه خانواده‌اش بوده است. نمی‌خواهد که به دلیل مشغله کاری، از وقت و رسیدگی برای همسر و پسرش کم کند. حدود ۲ سال، این خانه هم محل زندگی و هم جایی برای کار بود و او هر روز ساعت ۳ یا ۴ صبح، زودتر از همه بیدار می‌شد تا غذا درست کند و به کارهای خانه برسد. یک پسر نه‌ساله دارد که او هم در کنار مادر، عروسک‌سازی را یاد گرفته است و وسایل کار را به خوبی می‌شناسد. به همین دلیل، گاهی کمک‌دست مادرش است. همسر او نیز شاید ابتدا با شروع کار چندان موافق نبود، اما بعد از گذشت چند ماه، حمایتش را از همسرش دریغ نکرد و همین موضوع، آرامش خاطر نوغانی را در رسیدگی به کارها بیشتر می‌کرد. «هر روز شوهرم که به سر کار می‌رفت، با یک تیم برای مدل‌های جدید عروسک طرح‌ریزی می‌کردیم. بعد از مدتی، یک خانه دیگر در روستا اجاره کردم تا به جای اینکه زنان در خانه‌هایشان کار کنند، در کارگاه همه با هم کار کنیم و شاید پیشرفت و سرعت کار بالا برود، اما استقبال نشد و زنان به دلیل اینکه خانه‌داری و بچه‌داری نیز می‌کردند، راحت‌تر بودند که در خانه کار کنند. پس آن کارگاه را جمع کردم.»

او با کمترین پول این کار را شروع می‌کند و حالا به سرمایه خوبی رسیده است. حدود یک سال و نیم است که خانه‌ای در محله‌ای دیگر اجاره کرده‌اند، اما باز هم به گفته خودش، نیمی از عمرش را در همین مکان می‌گذراند. «خوشبختانه برکت این کار برای خودم و زنان این روستا خوب بوده است. اینکه طی ۳ سال در این کار موفق شدیم، نوعی معجزه بود. اکنون با آستان قدس رضوی قرارداد داریم. علاوه بر آن، عمده‌فروش‌هایی نیز عروسک‌هایمان را تهیه می‌کنند. البته فروش به صورت مجازی را نیز فعال کرده‌ایم.»

آزادسازی به خرید سیمونی ممکن شده است

اشتغال‌زایی برای بانوان روستا مزایای زیادی داشته است. آن‌ها از زندگی‌شان راضی هستند و همیشه در خانه کاری برای انجام دادن دارند که بابت آن مزد دریافت می‌کنند. بعضی‌هایشان از طریق درآمد این کار توانسته‌اند جهیزیه دخترانشان را جور کنند. برخی دیگر برای نوه‌هایشان سیمونی خریده یا برای بچه‌هایشان لباس عیدی تهیه کرده‌اند و بدون دردسر آن‌ها را در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند زیرا دیگر نگران هزینه ثبت‌نام نیستند. بیشتر زنانی که با نوغانی کار می‌کنند، همسرانشان بیکارند یا خانواده‌هایشان به نوعی درگیر آسیب‌های اجتماعی هستند. «همین که می‌بینم بخشی از مشکلات خانواده‌ها که به طور مستقیم با موضوعات مالی ارتباط دارد بهتر یا حل شده است، حس خوبی دارم. حتی بعضی بانوان درآمدشان از همسرشان نیز بیشتر شده است. به همین دلیل، یک کارگاه دیگر درست ۶ ماه بعد از اینکه کار در این روستا راه افتاد، در خیابان رسالت فعال کردم. ۴۰ نفر از بانوان آن محله نیز در آنجا مشغول به کار هستند، علاوه بر اینکه ۵۰ نفر نیز در روستای گوندوک کار می‌کنند. درآمد این بانوان به میزان کارشان بستگی دارد، اما می‌شود گفت کمتر از ۷۰۰ هزار تومان نمی‌شود.»

او برای گسترش کار از بسیج و کمیته امداد وام گرفته است، اما از سخت‌گیری بعضی نهادهای دیگر برای ضامن و دریافت وام گله‌مند است زیرا برنامه‌هایی برای توسعه کار و اشتغال‌زایی بانوان بیشتری در سر دارد. «این روستا هزار و ۱۲۵ نفر جمعیت دارد. این یعنی ظرفیت قابل توجه و هنوز اشتغال بیشتری را می‌طلبد. می‌خواهم یک کارگاه قالی‌بافی نیز به راه بیندازم. اینجا حتی پسرچپه‌هایی هستند که از من کار می‌خواهند تا مزدی بگیرند و کمک‌خرج خانواده‌شان باشند. گاهی کارهای آسان‌تر عروسک‌سازی مانند ساخت کیف‌های کوچک را به آن‌ها می‌سپارم.»

اوایل بعضی طرح‌های عروسکی که کار می‌کردند کپی برابر اصل از عروسک‌های موجود در بازار بود، اما اکنون نه تنها طرح و ایده‌های جدیدشان

را وارد کار کرده‌اند بلکه به فکر تلفیق و به نوعی ابداع در ساخت عروسک‌اند. «بسته به شرایطی که خانواده‌ها دارند، شب‌به‌شب، هفتگی یا ماهانه با آن‌ها تسویه حساب می‌کنیم. دوست دارم در محله‌های بیشتری شغل ایجاد کنم و روزی برسد که دست کم زمانی که بسته معیشتی در روستای خودمان می‌آورند، بگویند ما احتیاجی نداریم.»

کرونا فروشمان را کاهش داد

کرونا مانند هر کسب‌وکار دیگری بر شغل عروسک‌سازی نیز تأثیر می‌گذارد و جدا از اینکه لوازم کار گران شده است، به ناچار تعداد نیروهای کار نیز کمتر می‌شود. «برای من که دوست دارم همه بانوان شاغل باشند، سخت بود که تعدادی از نیروهایمان را از دست بدهیم. ضمن اینکه کرونا نمایشگاه‌ها را نیز تعطیل کرد و فروشمان کاهش یافت. به یاد دارم نمایشگاهی در ماه رمضان برگزار می‌شد که از افطار تا ساعت ۲۳ یا ۲۴ برپا بود و در همان چند ساعت، بیش از یک میلیون تومان عروسک می‌فروختم. این عروسک‌ها قیمت چندانی ندارد و از ۱۰ تا ۱۴ هزار تومان است، اما برکت دارد. همیشه می‌گویم اینکه آدم خودش کار کند و چیزی را که نیاز دارد تهیه کند لذت‌بخش است، نه اینکه چشمانش به در باشد تا یک بسته خواروبار برایش بیاورند.»

فروش اجناس نوغانی ارتباط مستقیمی با مناسبت‌ها و حضور زائران و گردشگران در مشهد دارد. آن‌ها تا پیش از شیوع ویروس کرونا روزانه هزار عروسک تولید می‌کردند، اما اکنون به دلیل کساد کسب‌وکارها، هفته‌ای هزار عروسک تولید می‌کنند. «به دلیل همین افت فروش، ناچار شدیم تعداد بانوانی را که با ما کار می‌کنند کاهش دهیم. اما پیگیر هستم تا از طریق شورا و دهیاری روستا بتوانیم بودجه‌ای را برای کارآفرینی بیشتر جذب کنیم.»

نوغانی با بانوان روستا ارتباطی صمیمی دارد. در کنار اشتغال‌زایی، از مشکلات آن‌ها باخبر است و بعضی اوقات واسطه میان نیکوکاران و خانواده‌ها می‌شود. او به عنوان عضو شورای این روستا نیز فعال و دغدغه‌مند است. «این روستا یک مینی‌بوس ندارد و حتی تا سر خیابان بخواهیم برویم باید ۲۰ هزار تومان کرایه رفت‌وبرگشت بدهیم. این مبلغ برای کسانی که درآمد کمی دارند زیاد است. ضمن اینکه روستا آب شرب نیز ندارد و آب شور است.»

اولین دختر خانواده که شاغل شد

نوغانی در خانواده‌ای بزرگ می‌شود که پدرش شغل آزاد داشته و مادرش خانه‌دار بوده است. از لحاظ مالی نیز شرایط متوسطی داشته‌اند. در میان خویشاوندان، زن شاغل یا تحصیل کرده نداشته و این موضوع را بد می‌دانسته‌اند. با این حال، او اولین دختری بود که در خانواده درس خواند و بعد شاغل شد. «اوایل، بعد از اینکه کارآفرین و عضو شورای این روستا شدم، تعجب می‌کردند، اما حالا تشویق می‌کنند. حتی کسانی بودند که به دلیل فعالیت من، به فکر این افتادند که کاری راه بیندازند، مانند همسر برادرم که گل‌سر برای دختران درست می‌کنند. بعضی از زنان روستا را نیز علاقه و استعداد کار داشتند اما برای شروع کار دچار استرس می‌شدند، تشویق کردم و جرقه شروع به کارشان را زدم. چند نفری خیاطی می‌کنند یا اجناسی مانند لباس می‌فروشند. چند خانم دیگر نیز قالی می‌بافند.»

او معتقد است اهمیت کارآفرینی در روستا به مراتب بیش از شهر است زیرا روستاییان به دلیل نبود کار یا امکانات، به شهر مهاجرت می‌کنند. در غیر این صورت، در زادگاهشان می‌مانند. «به همه می‌گویم نیازی نیست برای شروع یک کار، سرمایه آن چنانی داشته باشند و یا کمترین سرمایه نیز می‌توان کار کرد. اوایل برای این کار سختی کشیدم. بارها شده بود که عروسک‌ها را برای فروش می‌بردم و نمی‌خواستند یا اینکه تعداد کمی را می‌خریدند، اما آن قدر پیگیری کردم تا به فروش خوبی برسم.»

نوغانی جوانی خوش‌فکر است که ایده‌های زیادی برای کارآفرینی در سر دارد و هدفش این است که زنان اعتماد به نفس از دست‌رفته خود را باز یابند و خانواده‌ها از کمک‌های مالی بی‌نیاز شوند.